

# پرورش توانمندی‌ها و استعداد در سال‌های اولیه زندگی فعالیت‌های مناسب برای کودکان ۳ تا ۵ سال

تالیف

مارگارت ساترلند

ترجمه

سهیلا بخشی

فهیمة آرین

ویراستار

دکتر رحمت الله خوارزمی رحیم آبادی



انتشارات آوای نور

تهران-۱۳۹۴

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



---

پرورش توانمندی‌ها و استعداد در سال‌های اولیه زندگی

فعالیت‌های مناسب برای کودکان ۳ تا ۵ سال

تالیف: مارگارت ساترلند

ترجمه: سهیلا بخشی - فهیمه آریین

ناشر: انتشارات آوای نور

چاپ اول ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۳۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۱۶۷-۲

---

تهران: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - پلاک ۹۹

تلفن: ۶ - ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

---

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

قیمت ۹۵۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۹.....	تقدیر و تشکر
۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	۱ هوش - معنی این کلمه چیست؟
۳۳.....	۲ شناسایی
۶۷.....	۳ فعالیت‌ها و منابع
۹۱.....	۴ فعالیت جسمی / پیشرفت حرکتی
۱۰۵.....	۵ موسیقی
۱۱۷.....	۶ زبان
۱۳۷.....	۷ ریاضیات
۱۵۳.....	۸ یادگیری لذت بخش و برای همه است
۱۵۹.....	منابع
۱۶۰.....	فهرست لغات

جدا از هرگونه حق انحصاری به منظور تحقیق، مطالعه خصوصی، نقد ادبی و یا مقاله نویسی، همانطور که در حق امتیاز نشر، طراحی و قانون حق ثبت مربوط به سال ۱۹۸۸ مجاز است، چاپ دوباره، نگهداری و یا انتقال این نشریه به هر شکل و یا با هر وسیله تنها با مجوز کتبی ناشران امکان پذیر است و یا تکثیر تصاویر ترسیمی با استفاده از روش‌های مکانیکی یا الکتریکی، که باید مطابق با قوانین حق امتیاز نشر صادر شده توسط نمایندگی صدور مجوز چاپ دوباره باشد. مواردی که مربوط به تکثیر خارج از دایره قوانین ذکر شده است، باید به ناشران گزارش داده شود.

P.C.P

انتشارات پل چپمن

شرکت چاپ و نشر SAGE

اولیورز یارد یکم

جاده شهری ۵۵

لندن SP ۱Y CE

شرکت چاپ و نشر SAGE

خیابان تلر ۲۴۵۵

هزاربلوط، کالیفرنیا ۹۱۳۲۰

شرکت هندی انتشاراتی سهامی خاص SAGE با مسئولیت محدود

پانسیل اینکلاو B-۴۲

صندوق پستی ۴۱۰۹

دهلی تو ۱۱۰۰۱۷

شماره کنترل کتابخانه کنگره: ۲۰۰۵۹۰۰۴۳۲

ثبت فهرست برای این کتاب برگرفته از کتابخانه انگلستان است

ISBN ۱-۴۱۲۹-۰۳۶۷-X

ISBN ۱-۴۱۲۹-۰۳۶۸-۸ (pbk)

حروفچینی شده توسط شرکت هنری پنتک با مسئولیت محدود، میداستون، کنت

چاپ توسط شرکت چاپ کرامول با مسئولیت محدود، ویلشایر

## درباره نویسنده

مارگارت ساترلند یک استاد، در دانشگاه گلاسکو است. او دارای ۲۳ سال سابقه تدریس در مدارس ابتدایی معمولی، مشاور و پشتیبان رفتاری و همچنین دارای سابقه کار در آموزش عالی است. وی مقالاتی در مورد آموزش و پرورش توانایی و استعداد نوشته است و در صورت مداوم در همایش‌ها سخنرانی داشته و برای شرکت در دوره‌ها، کارگاه‌ها و نشست‌های تحقیقی، آموزشی پیشنهاد می‌باشد.

## مقدمه

اهمیت آموزش در سال‌های اولیه زندگی را نمی‌توان نادیده گرفت. عشق به یادگیری و حس اشتیاق، هدفمند بودن و خلاقیت که در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد، می‌تواند تا سال‌های جوانی در زندگی افراد جریان داشته باشد. فرصت‌هایی که در این سال‌ها به دست می‌آید، می‌تواند روی شکل‌گیری احساسات افراد در همه عمر موثر باشد و دیدی همه‌جانبه و پرمعنا به نگرش ما به جهان بدهد که می‌تواند منجر به ارتقاء و تکمیل زندگی همه افراد شود. هنگامی که با کودکان خردسال کار می‌کنید، یک موقعیت بسیار مناسب برای ارائه این فرصت‌ها به آنها دارید. این یک جایگاه بسیار ممتاز است و شخصی که در این موقعیت قرار دارد، باید برای کمک به کودکان خردسال و قرار دادن آنها در مسیری که بتواند تمامی توانایی‌ها و شایستگی‌های آنها را مورد تشویق قرار داده و پرورش دهد، بسیار جدی عمل کند.

در صورت خواندن این کتاب، احتمال دارد که توجه بیشتری نسبت به کودکی که توانایی‌های خاص وی به اثبات رسیده است، داشته باشید. کودکی که قابلیت‌های وی فراتر از چیزی است که از همسالان وی انتظار می‌رود، مانند کودک سه ساله‌ای که به قسمت کتابخوانی می‌رود و یک کتاب برای خودش می‌خواند. بدون هیچ شکی کودکان خردسال اغلب بیشتر از آنچه که تصور می‌کنیم، توانا هستند. ابتکارهای ملی در UK (مداخله زودهنگام، اسکاتلند؛ مرحله بنیادی، انگلستان و ولز) به بالا رفتن سطح توقع در میان آموزگاران کمک کرده است. شاید گروهی از کودکان که اغلب با برچسب باهوش و با استعداد شناخته می‌شوند، به درستی شناسایی نشده‌اند. تجارب آموزشی دربارهای کودکان، در این کتاب بررسی می‌شود.

ابتکارهای بین‌المللی (UK، ۱۹۹۲؛ UN، ۱۹۸۹) و ملی (SOEID، ۱۹۹۴؛ SEED، ۲۰۰۳؛ DFES، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱) شاهد یک حرکت روزافزون به سمت آموزش فراگیر است. بحث‌های زیادی در مورد مفهوم این واژه وجود دارد و تعداد زیادی از کتاب‌ها در بازار فقط به این مسئله می‌پردازند. در راستای اهداف این کتاب، آموزش فراگیر به معنی یادگیری گروهی کودکان است. کودکان از یکدیگر، از بزرگترهای اطراف خود و از اجتماع و خانواده یاد می‌گیرند. هدف اصلی این کتاب یافتن شیوه‌هایی برای برآوردن

نیازهای کودکانی با عنوان کودکان سرآمد، در چهارچوب آموزش و پرورش همگانی است.

بخش اول این کتاب به مطالعه ماهیت هوش می‌پردازد. این بخش به بررسی عنوان‌هایی می‌پردازد که برای معرفی کودکان باهوش و بااستعداد استفاده می‌شوند و بررسی می‌کند که باورهای بزرگترها در مورد هوش، چگونه روی عملکرد، گفتار و کنجکاوای کودکان در سنین پایین تاثیر می‌گذارد. این مطلب آموزگاران را به تفکر در مورد ماهیت هوش دعوت می‌کند.

بخش دوم مشکل شناختن این کودکان را بررسی می‌کند. این بخش شیوه‌هایی عملی را برای شناسایی دانش آموزان باهوش و با استعداد پیشنهاد می‌کند. سوالات مصاحبه، برگه‌های نظرسنجی و برگه‌های پیگیری شیوه‌هایی هستند که برای تهیه تصویری جامع از یک کودک و توانایی‌های وی مطرح می‌شوند. هنگامی که این اطلاعات گرد آوری می‌شوند، این بخش به بررسی چگونگی ترکیب این داده‌ها با اسناد ملی در جهت به چالش کشیدن تجارب یادگیری می‌پردازد.

بخش ۳ به بررسی چهار حوزه در برنامه‌های آموزشی می‌پردازد: تحرک بدنی/پیشرفت حرکتی، موسیقی، زبان و ریاضی و چند پیشنهاد در مورد واکنش‌های روزمره به توانایی‌های معمول کودکان خردسال و منابع مربوط به آنها را دارد.

برگه‌های کار می‌تواند در زمان انجام فعالیت‌ها یا برای تطبیق و پیشروی در جهت اجرای درست برنامه‌های آموزشی فردی به کار آیند. این بخش‌ها ممکن است در درون یا بیرون به عنوان نیازی خاص در ایجاد یک زمینه آموزشی خاص به حساب آیند.

در بخش آخر افکار و عقایدی خارج از مطالب این کتاب گرد آوری شده است که بر اهمیت شناسایی کودکان باهوش و بااستعداد تاکید می‌کند و اطمینان می‌دهد که پیشنهاد ما برای داشتن فرصت‌های یادگیری برای همه است.

در این کتاب با سه رویکرد روبرو می‌شوید:

- ۱- این دیدگاه به این مطلب اشاره دارد که آموزگاران در سال‌های اولیه باید در هنگام کار با کودکان باهوش و بااستعداد برخی نکات کلیدی را در نظر داشته باشند.
- ۲- این رویکرد برخی نکات را برای تمرین‌های مناسب پیشنهاد می‌کند.
- ۳- این دیدگاه بدین معنی است که می‌توانید از صفحات کپی بگیرید.

## ۸ ■ پرورش توانمندی‌ها و استعداد، درسال‌های اولیه زندگی

باید به این نکته توجه شود که چهار کشور دارای پادشاهی متحد با تغییرات کوچکی این اصطلاحات را پذیرفته اند:

**اسکاتلند:** دانش آموزان تواناتر

**ایرلند شمالی:** کودکان باهوش

**ولز:** دانش آموزان تواناتر و بااستعدادتر

**انگلستان:** باهوش و بااستعداد



---

# بخش ۱

---

## هوش – معنی این کلمه چیست؟

در این بخش به برخی نکات کلیدی درباره نحوه ی آموزش به دانش آموزان باهوش و بالاستعداد اشاره می‌شود.

۱- اتخاذ یک رویکرد جامع جهت یادگیری که برای دانش آموزان باهوش و بالاستعداد مفید است.

۲- در حال حاضر نظریه یادگیری فرصتی را برای اطمینان از آزمودن و تایید همه توانایی‌ها ارائه می‌دهد.

۳- فرهنگ حاکم بر جامعه نقش موثری در فرهنگ یادگیری ایفاء می‌کند.

۴- برچسب‌هایی که برای دانش آموزان باهوش و بالاستعداد به کار می‌رود، در عین حال که مفید هستند، می‌تواند به عنوان یک مانع نیز به حساب آید. نیاز ما تمرکز روی مفهوم این برچسب‌ها و تلاش برای درک معانی برخی از واژه‌های به کار رفته است.

۵- هوش به سختی قابل تعریف است. باورهای ما در مورد هوش بر روی دیدمان نسبت به جایگاه کودکان خردسال و عقاید شخصی افراد اثر می‌گذارد.

کنجکاو هستم بدانم تصویر ذهنی شما از یک کودک باهوش و بالاستعداد چیست؟

تصویری که اغلب برای ما تداعی می‌شود، کودکی با صورت گرد، پوست دارای کک و مک و عینک است. او همیشه سوال‌ها را به درستی جواب می‌دهد و اغلب مشغول انجام آزمایش‌های علمی و یافتن پاسخ‌های جدید است. وی اغلب اوقات با نام پروفیسور کوچک شناخته می‌شود. شاید او یک ویولن نواز خوش قریحه است که تنها چهار سال دارد. او ساعت‌های زیادی را برای تمرین به منظور حذف هر چیز دیگری به جز موردی که روی آن کار می‌کند، می‌گذراند، به آهستگی صحبت می‌کند و توانمندی او در ریاضی هم به خوبی چیزهای دیگر است. این نوع تصور کلیشه‌ای کمکی به ما نمی‌کند.

بخصوص اگر به دنبال آموزش کودکان باهوش و بااستعداد در یک چهارچوب آموزشی فراگیر هستیم. برای افراد زیادی، این دیدگاه‌های محدود درباره کودکان باهوش و بااستعداد روی چگونگی تفکر و عملکرد آنها نسبت به کودکانی که از آنها مراقبت می‌کنند، اثر می‌گذارد.

مقاطع آموزشی در سال‌های اولیه بهترین مکان برای بررسی آموزش کودکان باهوش و بااستعداد در یک چهارچوب آموزشی فراگیر است. کودکان خردسال در اغلب موارد، به خوبی پذیرای افرادی هستند که عملکرد آنها متفاوت است. هرچند خواست حقیقی آنها دستخوش تغییر می‌شود و گاهی اوقات تنها به دلیل پیروی از بزرگسالان با آنها همراهی می‌کنند. تعداد زیادی از کودکان خردسال همدیگر را به خاطر آنچه هستند، قبول کرده و با خوشحالی و به مدت طولانی کنار یکدیگر بازی می‌کنند و اغلب به نظر می‌رسد که هیچ توجهی به تفاوت‌های موجود میان خودشان ندارند. اما این پذیرش همیشه برای بزرگسالان آسان به نظر نمی‌رسد. وقتی کودکی را می‌بینیم که به شیوه‌ای غیر معمول عمل می‌کند، اغلب به جستجو و شناخت موردی که متفاوت است، می‌پردازیم و سپس سعی می‌کنیم عنوانی برای توصیف این تفاوت پیدا کنیم. حتی ممکن است در زمان‌هایی که کودک به صورت معمولی عمل می‌کند، سعی در اثبات این تفاوت داشته باشیم.

### قدم اول مطالعه در مقاطع آموزشی سال‌های نخست

با توجه به ماهیت بسیار طبیعی مقاطع آموزشی در سال‌های اولیه، روشی که اغلب برای کاربرد در این مجموعه‌های آموزشی در نظر گرفته می‌شود، شیوه‌ای فراگیر برای مراقبت و آموزش کودکان خردسال است. به نظر می‌رسد دستور و تمرین در این مقاطع آموزشی باید در راستای پذیرش روشی جامع برای یادگیری باشد. برای مثال، یک برنامه آموزشی بازی محور برای یک رویکرد کودک محور مناسب است. با این روش کودکان فرآیند یادگیری را خودشان به پیش می‌برند. لازم به گفتن نیست که هیچگونه ساختاری در این فرآیند وجود ندارد و اهداف مشخص نشده‌اند. حقیقت این است که در این شیوه یادگیری و پیشرفت مهم تلقی می‌شود و تنها اهداف و مقاصد در نظر گرفته نمی‌شود. با بررسی در نظام آموزشی انگلستان، می‌بینیم که کودکانی که رفتار مناسبی ندارند، ممکن است دارای اختلال جسمی، مشکلات رفتاری و یادگیری و یا حتی جزء

بخش اول: هوش - معنی این کلمه چیست؟ ■ ۱۱

کودکان باهوش و بااستعداد باشند. بهرحال، در اغلب نظام‌های آموزشی، در سال‌های نخست، کودکان در کنار یکدیگر و با هم آموزش می‌بینند و تنها هنگام ورود به مدارس رسمی تقسیم بندی می‌شوند.

در دوره‌های آموزشی سال‌های اولیه، هنگامی اوضاع مخاطره آمیز می‌شود که شناخت دانش آموزان باهوش و بااستعداد به عنوان یک هدف آغاز می‌گردد و این در حالی است که آنها چیزی را که مقاطع آموزشی خردسالان را به عنوان تجربه‌ای منحصر به فرد و کودک محور می‌کند، فراموش می‌کنند و شروع به پذیرش شیوه‌های رسمی ارائه شده در مدارس می‌نمایند. البته آن دسته از کودکان باهوش و بااستعدادی که نیازمند ارزیابی هستند مورد نظر ما نیستند و شاید اینکه این کار چگونه انجام می‌شود نیاز به بحث بیشتری دارد. در راستای هدف این کتاب، آموزش فراگیر به معنی یادگیری کودکان به همراه یکدیگر است: یادگیری از یکدیگر، از بزرگسالان و از جامعه و خانواده شان. در این شیوه، بحث این است که یادگیرنده‌های باهوش و بااستعداد می‌توانند:

۶- به درستی ارزشیابی شوند.

۷- در یک جمع آموزشی بعنوان عضوی بارزش دیده شوند.

۸- توانایی و استعداد آنها شناسایی و درون یک مجموعه فراگیر مورد تحسین قرار گیرند.

بنابراین آنچه درباره یادگیری می‌دانیم در جهت استفاده از آن به ما کمک خواهد کرد.

یادگیری در محیط‌های آموزشی سال‌های نخست....

مطالب زیادی درباره مفهوم یادگیری و اینکه چگونه یاد می‌گیریم، نوشته شده است. برای مثال، پیشرفت‌های علمی و پزشکی نشان می‌دهد که امروزه بسیار بیشتر از گذشته درباره عملکرد مغز و نقش آن در یادگیری اطلاعات داریم. اما این دانش الزاماً همیشه تغییری در عملکرد ما بعنوان آموزگار ایجاد نمی‌کند.

چندین نظریه درباره یادگیری ارائه شده است. هر نظریه بازتاب برهه‌ای از زمانی است که آن نظریه ارائه شده است. نظریه‌ها می‌آیند و می‌روند و زمانی که جامعه تغییر می‌کند، در خود فرو می‌پاشند. چیزهای جدیدی که یاد می‌گیریم نشان می‌دهد که نظریه‌ها، نیاز به تغییر، تطبیق و اصلاح دارند. چنین مسئله‌ای می‌تواند این تصور را در ذهن ایجاد کند که دایره وار به دور خود می‌چرخیم.

## ۱۲ ■ پرورش توانمندی‌ها و استعداد، درسال‌های اولیه زندگی

- با اینحال، برخی نکات کلیدی را که در مورد یادگیری می‌دانیم، اهمیت دارند و سطح یادگیری را برای همه یادگیرنده‌ها بالا می‌برند:
- ۹- یادگیری یک فعالیت اجتماعی است.
  - ۱۰- کودکان بهترین نتیجه در یادگیری را از طریق کار با یکدیگر به دست می‌آورند.
  - ۱۱- تجاربی که خارج از حوزه آموزشی سال‌های اولیه به دست می‌آید، باید با یادگیری در این محیط‌های آموزشی توأم شود.
  - ۱۲- یادگیری در محیط‌های آموزشی سال‌های اولیه باید به صورت ترکیبی باشد و جدا از تجربه‌های دنیای واقعی نباشد.
  - ۱۳- با در نظر گرفتن این موارد، چندین اصول اساسی برای ایجاد تجربه‌های یادگیری خوب برای همه کودکان وجود دارد. با در نظر گرفتن کودکان باهوش و بااستعداد، برخی از این اصول ممکن است به شرح زیر باشد:
  - ۱۴- همه کودکان حق دارند از یک روش آموزشی بهره گیرند که به صورت مناسبی مورد ارزیابی قرار گرفته باشد.
  - ۱۵- هر شخصی در میان گستره وسیع توانایی‌ها دارای شکلی منحصر به فرد از توانایی است که باید به درستی شناسایی، پرورش و ارزش گذاری شود.
  - ۱۶- شناخت شکل توانایی هر فرد تنها با مشارکت با والدین و دیگر اشخاص مهم در زندگی وی امکان پذیر است.
  - ۱۷- لازم است توانایی فرد به صورت همه جانبه و به درستی مورد آزمایش قرار گیرد.
  - ۱۸- کلید شناخت توانایی‌های هر فرد، در ایجاد فرصت‌هایی برای آزمودن مناسب این توانایی‌ها نهفته است.
  - ۱۹- اشتباهات در فرآیند یادگیری بسیار اهمیت دارند. بنابراین ایجاد فرصت‌های ارزیابی مناسب ممکن است نیاز به آزمون‌هایی داشته باشد که شخص را به نقطه شکست برساند و این تنها از طریق شیوه‌ای امکان پذیر است که عدم موفقیت فرد آسیبی به وی نرساند.
  - ۲۰- یک نظام آموزشی فراگیر چهارچوبی است که بیشترین کمک را به منظور ارائه فرصت‌هایی برای جلوگیری از عدم موفقیت و ایجاد آزمون‌های مناسب در میان مجموعه‌ای از توانایی‌ها می‌کند.
- (شبکه اسکاتلندی برای دانش آموزان ابتدایی، ۲۰۰۴)

## یادگیری و فرهنگ

به گفته نظریه پرداز آموزشی " جرم برونر"، فرهنگ، ذهن را شکل می‌دهد و با ذهن شکل می‌گیرد و به ما شیوه‌ای ارائه می‌دهد که بتوانیم شناختی از جهان و جایگاه خود در آن داشته باشیم. سخن وی، درباره فرهنگ دوران کودکی است. بنابراین هر تفکری که در زندگی ما جریان دارد ریشه در فرهنگ ما دارد (برونر، ۱۹۹۶).

لغت نامه انگلیسی کالینز کانسیز فرهنگ را به این گونه تعریف می‌کند:  
مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها و دانش اکتسابی، که بخش مهمی از رفتار اجتماعی را شکل می‌دهد.

(کالینز، ۱۹۸۸)

اجتماعی که شما و کودکان به آن تعلق دارید، دارای فرهنگ تعریف شده‌ای است. اغلب جوامع می‌توانند دارای ترکیبی از چندین تجربه و تغییر فرهنگی باشند. اما این احتمال وجود دارد که یک فرهنگ غالب از این میان برآید که همان فرهنگ تاثیر گذار روی شما، کودکان و خانواده تان است. ما همه حاصل چندین فرهنگ مختلف هستیم و این روی تفکر و درک ما از یادگیری موثر است.

همانند یک فرهنگ ملی، محلی یا اجتماعی، فرهنگی نیز برای برنامه‌ریزی آموزشی سال‌های اولیه زندگی وجود دارد که اثرپذیری و شکل‌گیری آن حاصل شیوه مدیریت است. فرهنگ درون اتاق خودتان که ایجاد و شکل‌گیری آن حاصل تجارب شما و دیگران است و ممکن است سال به سال به همراه کار با گروه‌های مختلف تغییر کند و بدون شک روی چگونگی انجام وظایف و برخورد متقابل شما با کودکان و با یکدیگر تاثیر می‌گذارد.

اگر می‌خواهیم به کودکان خردسال در یادگیری کمک کنیم، نیاز به درک موارد اثرگذار و مهم روی زندگی آنها داریم. چیزی که باور دارند و از آن تاثیر می‌پذیرند، ممکن است به خوبی روی شیوه زندگی آنها در سال‌های ابتدایی زندگی موثر باشد. چیزی که باور دارید و متاثر از آن هستید، روی انتظارات و شیوه رفتار شما در برنامه‌های آموزشی سال‌های اولیه موثر است. درک بخشی از این باورها و موارد تاثیرگذار ممکن است به کودکان در جهت یادگیری کمک کند.

ایده فرهنگ زمانی اهمیت پیدا می‌کند که ما شروع به تفکر درباره کودکان خردسال باهوش و بااستعداد می‌کنیم. دیدگاه‌های فرهنگی مختلف از جانب شما، کودکان و

خانواده‌های آنها بر روی یادگیری در دوره‌های آموزشی سال‌های اولیه موثر هستند. برخی کودکان متعلق به خانواده‌هایی هستند که یادگیری و آموزش در بین آنها مورد احترام است و برخی دیگر دارای خانواده‌هایی هستند که در آنها مسائل آموزشی همواره در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

ایده‌های شما درباره یادگیری و توانایی براساس موارد زیر هستند:

۱. تجارب شما.
۲. فرهنگ مکانی که از آنجا آمده اید.
۳. فرهنگ مکانی که در آن کار می‌کنید.
۴. ما نیازمند آگاهی از فرهنگ غالب هستیم.
۵. ما نیاز به آگاهی در مورد اثر فرهنگ بر یادگیری داریم.
۶. ما نیاز به بررسی نوع فرهنگی داریم که در زمان کودکی خودمان به آن پرداخته ایم. عناوین دنیای اطرافمان را به دلیل احساسی که به ما می‌دهد و این که اغلب به ما کمک می‌کند تا به اشیاء اطرافمان را نام گذاری کنیم، دوست داریم. هنگامی که کودک شما کلمه حمام را یاد می‌گیرد، هر آبی در ذهن او حمام را تداعی می‌کند. این به ما حسی از نظم و آسایش می‌دهد. بزرگسالان هنوز هم برای دسته بندی و شرح آسان موارد به جستجوی عناوین برای آنها می‌پردازند. تعداد زیادی برچسب برای شرح ویژگی‌های کودکان باهوش و بااستعداد وجود دارد. در حقیقت، این برچسب‌ها اغلب به تمام کودکانی که رفتار ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند، نسبت داده می‌شود. اینجا تنها برخی از واژه‌ها و عباراتی که بیشتر در UK استفاده می‌شوند، ذکر شده اند:

- زیرک
- ستاره درخشان
- تیز هوش
- انیشتین "می‌توان اصطلاح انیشتین را که ما در فارسی برای بچه‌های باهوش به کار می‌بریم استفاده کرد"
- استثنایی
- دارای گیرایی بالا
- باهوش
- بسیار توانا

- هماهنگ
- دارای شایستگی ویژه
- تیزو بز ((اصطلاح معادل))
- با استعداد
- باهوش شیرین
- ماهر

هر یک از واژه‌ها و عبارات همراه با مفاهیم و معانی ضمنی خود می‌آیند. اینکه توانایی توانمندی کودکان به چه صورت دیده شود، اغلب بستگی به برداشت بزرگسالان از مفهوم هوش دارد و روی انتخاب آنها در مورد تعریفی که از آن دارند، تاثیر می‌گذارد و در حقیقت روی تفکر در مورد اینکه آیا این توانایی به اثبات رسیده، ارزنده و در خور عنوانی برتر است یا نه، موثر است. اجازه بدهید کمی به باز کردن این برچسب‌ها و آنچه در پشت این مفاهیم نهفته است، بپردازیم.

به صورت معمول در UK، تمایل به ارزیابی هوش همراه با توانایی‌های مربوط به مهارت‌های زبانی و ریاضی است. توانایی‌هایی که خارج از این حوزه باشند، اغلب شناسایی نمی‌شوند. بسیاری از برچسب‌هایی که در بالا فهرست شده‌اند، برای شرح ویژگی‌های کودکانی که در ریاضی و زبان شایستگی دارند، به کار می‌روند. بنابراین می‌شنوید کودکی که در چهار سالگی می‌تواند بخواند، یک ستاره واقعی خوانده می‌شود. همچنین کودکانی که در ریاضی توانا هستند، اغلب با عنوان با استعداد یا یک انیشتین واقعی خوانده می‌شوند. از آنجایی که واژه‌ها و عبارات مفاهیم متفاوتی برای افراد متفاوت دارند، همگی ما می‌توانیم در دوره‌های آموزشی پیش از دبستان از کلمه یا کلمات یکسان استفاده کرده‌ایم اما در واقع در مورد موارد گوناگون صحبت کنیم. خطر حقیقی این نیست که همه ما واژه‌های متفاوتی برای شرح توانایی‌ها و توصیف کودکان استفاده می‌کنیم، بلکه این است که ارزش و مفهوم متفاوتی برای واژه‌های متفاوت در نظر بگیریم. همچنین، اگر همه کسانی که با کودکان خردسال کار می‌کنند دید محدودی از چیزی که هوش نامیده می‌شود داشته باشند، امکان شناسایی و ارزیابی توانایی‌هایی که خارج از این تعریف محدود هستند، وجود ندارد.

همانطور که برچسب‌ها می‌توانند گاهی اوقات کمک کننده باشند، در مواقعی هم مشکلاتی ایجاد می‌کنند. برای مثال:

- همه ما از واژه‌های یکسانی برای توصیف توانایی‌های یکسان استفاده نمی‌کنیم.
- این واژه‌ها می‌توانند توقعات نابجایی برای کودکان، والدین و آموزگاران ایجاد کنند.
- افراد چیزی فراتر از عنوان مورد نظر را نمی‌بینند.
- واژه‌ها باعث می‌شوند که یک کودک تنها در موردی ارزیابی شود که قبلاً در آن خوب بوده است.
- این نام‌گذاری‌ها ممکن است توانایی‌های دیگر کودک را محدود و یا پنهان کند.
- بنابر این بهتر خواهد بود که روی چیزی که در پشت این عناوین نهفته است، نیز تمرکز کرد. اگر بتوانیم برخی از مفاهیم مشترک را همراه با چیزی که در ذهن ما به معنی باهوش و با استعداد است، در نظر بگیریم، می‌توانیم تفکر در مورد موضوع مورد ارزیابی و چگونگی برآورد توانایی‌هایی که کودکان مورد نظر ما به اثبات می‌رسانند را شروع کنیم.
- به عبارت دیگر، نباید روی عنوانی که تعیین می‌کنیم بمانیم، بلکه بهتر است در مورد این گفتگو کنیم که واژه‌ها در حقیقت چه معنایی برای ما دارند.
- مفهومی که از هوش در ذهن دارید، مشخص کنید.
- مشخص کنید که از نظر شما هوش تنها در مورد ریاضی و زبان است یا شامل زمینه‌های آموزشی دیگر نیز می‌شود.
- واژه‌هایی برای توصیف کودکانی که توانایی‌های ویژه‌ای در زمینه‌های مورد نظر شما از خود نشان می‌دهند، مشخص کنید.

### هوش چیست؟

به درستی معنای هوش چه می‌تواند باشد؟ سال‌ها به دنبال تعریفی برای هوش بوده ایم، اما شاید تعریف مشخصی برای هوش وجود نداشته باشد. هوش اغلب با آزمون‌های استاندارد می‌گردد که از کودک گرفته می‌شود، ارزیابی می‌گردد.

آزمون‌هایی که با عنوان IQ طرح ریزی شده اند به ارائه درصد مطمئنی از کودکان باهوش براساس نمره‌ای که تنها حاصل یک آزمون است، نه برای تعیین شیوه آموزشی و نه برای انتخاب طرحی کارآمد، برای دسته بندی کودکان کمکی نمی‌کند (کاشی و کیسی، ۱۹۹۷). آزمون ممکن است برای جمع‌آوری طرح ریزی شده باشد که بسیار متفاوت با گروهی باشند که کودک مورد نظر به آن تعلق دارد. نه تنها افراد مرتبط با کودک متفاوتند بلکه اختلاف فرهنگی هم می‌تواند در بازدهی آزمون بسیار تاثیر گذار باشند.



بخش اول: هوش - معنی این کلمه چیست؟ ■ ۱۷

چنین آزمون‌هایی هرگز برای ارزیابی خلاقیت یا توانایی‌های ذهنی متفاوتی که یک کودک باهوش و با استعداد از خود نشان می‌دهد، مناسب نیستند. به گفته دیوید جرج (۱۹۹۷) در حالی که یک آزمون IQ ممکن است منجر به شناسایی کودکانی با توانایی‌های مشخص شود، بیشتر می‌تواند بیان‌کننده این حقیقت باشد که این کودکان: در انجام تکالیف آموزشی بسیار کوشا هستند، به دستورات آموزشی به خوبی پاسخ می‌دهند، مهارت‌های خوبی برای مطالعه دارند، اطلاعات را به سرعت پردازش می‌کنند، حافظه بهتری دارند، دقت بالاتری دارند و عمیق‌تر فکر می‌کنند. (جرج، ۱۹۹۷، P.۳۷)

به عبارت دیگر، به خوبی از پس آزمون‌ها برمی‌آیند!

در نتیجه هنوز همان سوال همیشگی باقی است - معنای حقیقی باهوش چیست؟ کار هاوارد گاردنر (۱۹۸۳) در ایالات متحده آمریکا ما را به تفکری متفاوت در مورد هوش واداشت. وی بیان می‌کند که هوش تنها در مورد ریاضیات و زبان نیست، بلکه شامل دامنه وسیع‌تری از توانایی‌ها است. همچنین استدلال می‌کند که همه‌ی ما دارای این مهارت‌ها با درجاتی کمتر یا بیشتر هستیم و این قابلیت‌ها به صورت مرتبه‌ای و دارای تقدم و تاخر نیستند.

فهرست گاردنر شامل موارد زیر می‌شود:

- هوش زبانی (هوش کلامی)
- هوش ریاضی (هوش منطقی)
- هوش بین فردی (هوش اجتماعی)
- هوش طبیعت‌گرا (هوش طبیعی)
- هوش بصری - فاصله‌ای (هوش تصویری)
- هوش موسیقی (درک موسیقی)
- هوش جسمی حرکتی (هوش جسمانی)
- هوش درون فردی (هوش خود اتکایی)
- هوش وجودی (هوش ذاتی)

اگر کودکان خردسال توانایی‌های خود را در این زمینه‌ها را به اثبات می‌رسانند، چه اعمالی انجام می‌دادند؟

جدول ۱.۱ برخی مثال‌ها را ارائه می‌دهد.

جدول ۱.۱ اتوانایی‌های مرتبط با هوش‌های متفاوت

افراد مشهور	نشانه‌ها	هوش
*شکسپیر *همینگوی *جی.کی. رولینگ *آگاتا کریستی *الیزابت بارت برانینگ	*گفتن داستان‌ها و لطایف *حافظه خوب برای اسامی، مسائل تاریخی و غیره *لذت بردن از بازی با کلمات *علاقه به ادای واژه‌های دارای تلفظ دشوار *دارای دامنه لغات خوب *خوب صحبت کردن	زبانی (هوش کلامی)
*ارشمیدس *ایزاک نیوتن *انیشتن	*انجام بازی‌های راهبردی مانند شطرنج *فهم دلیل و اثر *طرح سوالاتی در مورد چگونگی کارکرد اجسام *انجام سریع محاسبات ذهنی	منطقی/ریاضی (هوش محاسباتی)
*ایرا وینفری *آبراهام لینکن *گاندی *مارتین لودر کینگ	*لذت بردن از بودن با هم *یک رهبر ذاتی *ارائه نظر به دوستان *داشتن دوستان صمیمی *علاقه دیگران به دوستی با آنها	بین فردی (هوش اجتماعی)
*گالیه *جکاس کاستا *دایان فوسی	*لذت بردن از یادگیری درباره حیوانات و طبیعت *علاقه مند به زیست شناسی، جانورشناسی، جغرافی و ستاره شناسی *آگاه نسبت به محیط ازبست *توانمند در طبقه بندی کردن *علاقه به زیبایی و جهان پیرامون	طبیعت‌گرا (هوش طبیعی)
*میکل انژ *پیکاسو	*مهارت درخواندن نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارها *لذت از بازی‌های فکری مانند	بصری/فاصله‌ای (هوش تصویری)

بخش اول: هوش - معنی این کلمه چیست؟ ■ ۱۹

افراد مشهور	نشانه ها	هوش
*استیون اسپیلبرگ *مانت	پازل، حل معما و بازی‌های جستجوگر *ساختن ساختارهای ۳ بعدی *توانایی بیشتر از سن *درک بیشتر تصاویر نسبت به کلمات	
موتزارت بتهون اسکات جاپلین جان لنون	*تشخیص خارج شدن موسیقی از گام *به خاطر سپاری ملودی یک ترانه *خوب آواز خواندن *نگه داشتن ریتم * تقلید کردن اسان از دیگران *نواختن یک ساز	موسیقی (هوش موسیقی)
تاگر وودز مارسل مارکو دیوید بکهام واین رونی	*مهارت در ورزش *توانایی تقلید حرکات *مهارت در انجام حرکات ظریف *علاقه به خمیربازی، سفال‌گری و فعالیت‌های هنری دستی *نا توان در بی حرکت نشستن * بسیار فعال	جسمی حرکتی (هوش جسمانی)
جون آف آرک ادموند هیلاری نیل آرمسترانگ کولومبوس	*مستقل *توانمند در بازی کردن به صورت انفرادی *آگاه از نقاط ضعف و قوت *توانایی بیان احساسات *مهارت در درس گرفتن از اشتباهات	درون فردی (هوش خود اتکایی)
ارسطو کانفسیوس انیشتن افلاطون سقراط	طرح سوالات بزرگ درباره مرگ و زندگی طرح سوال در مورد سیاره‌های دیگر اشتیاق به دانستن درباره عالم هستی	وجودی (هوش ذاتی)